

# قانون آئین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی

(تفسیر، تشریح، انتقادی و تطبیقی)

منطبق بر قانون مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۰۱  
با لحاظ آخرین اصلاحات و الحاقات مدی  
و آخرین دکترین حقوق

سعد صالح احمدی

|                     |                                                                                                                                                                                           |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : صالح احمدی، سعید.                                                                                                                                                                       |
| عنوان قراردادی      | : ایران، قوانین و احکام، Iran, Laws, etc.                                                                                                                                                 |
| عنوان و نام پدیدآور | : قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی (تفسیری، تشریحی، انتقادی و تطبیقی): منطبق بر قانون مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ با لحاظ آخرین اصلاحات و الحاقات بعدی و آخرین دکتری حقوقی / سعید صالح احمدی. |
| ملاحظات نشر         | : تهران: کتاب آوا، ۱۳۹۷.                                                                                                                                                                  |
| مشخصات ظاهری        | : ۱۲۱۶ ص.                                                                                                                                                                                 |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۴۲۲-۳                                                                                                                                                                       |
| وضعیت               | : سی : فیبا                                                                                                                                                                               |
| موضوع               | : آیین دادرسی مدنی - ایران، Civil procedure- Iran                                                                                                                                         |
| ردمک                | : ۱۳۹۷ ۲ق/ص/ KMH۱۷۱۰                                                                                                                                                                      |
| رده‌بندی دی         | : ۳۴۷/۹۵                                                                                                                                                                                  |
| شماره کتابشناسی     | : ۵۱۳۸۹۰۹                                                                                                                                                                                 |

## قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی



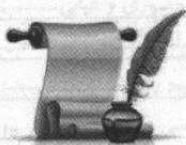
انتشارات کتاب آوا

|           |                   |
|-----------|-------------------|
| مؤلف:     | سعید صالح احمدی   |
| ناشر:     | کتاب آوا          |
| نوبت چاپ: | اول - ۱۳۹۷        |
| شمارگان:  | ۱۰۰۰ نسخه         |
| قیمت:     | ۸۰۰۰۰۰ ریال       |
| شابک:     | ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۴۲۲-۳ |

نشانی مراکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن بست حقیقه، پلاک ۴، واحد ۴  
شماره‌های تماس: ۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۶۶۹۷۴۴۵ - ۶۶۹۷۴۱۱۱ - ۶۶۹۷۴۱۱۱  
دورنگار: ۶۶۹۷۴۱۱۱  
www.avabook.com Email: avabook\_kazemi@yahoo.com  
نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان صیاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد، جنب دادگستری  
شماره تماس: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هر گونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری فایل الکترونیکی، یا چاپ و نشر کاغذی آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی‌دی، افست، ریسوگراف فتوکپی، زیراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

# فهرست مطالب



|                                         |     |
|-----------------------------------------|-----|
| کلیات                                   | ۱۹  |
| باب اول: در صلاحیت <sup>۱۰</sup> ها     | ۷۷  |
| فصل اول - در صلاحیت سی و سی د: گاهها    | ۷۸  |
| فصل دوم - اختلاف در صلاحیت و تنجیل آن   | ۱۳۰ |
| باب دوم: وکالت در دعاوی                 | ۱۴۷ |
| باب سوم: دادرسی نخستین                  | ۱۹۷ |
| فصل اول - دادخواست                      | ۱۹۸ |
| مبحث اول - تقدیم دادخواست               | ۱۹۸ |
| مبحث دوم - شرایط دادخواست               | ۱۹۹ |
| مبحث سوم - موارد توقیف دادخواست         | ۲۱۰ |
| مبحث چهارم - پیوست های دادخواست         | ۲۲۰ |
| فصل دوم - بهای خواسته                   | ۲۲۳ |
| فصل سوم - جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی | ۲۲۹ |
| مبحث اول - جریان دادخواست               | ۲۲۹ |
| مبحث دوم - ابلاغ                        | ۲۳۴ |
| مبحث سوم - ایرادات و موانع رسیدگی       | ۲۶۷ |



|     |                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------|
| ۳۱۲ | فصل چهارم - جلسه دادرسی                             |
| ۳۵۱ | فصل پنجم - توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست   |
| ۳۶۴ | فصل ششم - امور اتفاقی                               |
| ۳۶۴ | مبحث اول - تأمین خواسته                             |
| ۴۳۱ | مبحث دوم - ورود شخص ثالث                            |
| ۴۴۱ | مبحث سوم - جلب شخص ثالث                             |
| ۴۴۹ | مبحث چهارم - دعوای متقابل                           |
| ۴۵۷ | مبحث پنجم - اخذ تأمین از اتباع دولتهای خارجی        |
| ۴۶۶ | فصل ششم - تأمین دلیل و اظهارنامه                    |
| ۴۶۶ | مبحث اول - تأمین دلیل                               |
| ۴۷۷ | مبحث دوم - اظهارنامه                                |
| ۴۸۰ | فصل هشتم - دعوی تعارض عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت |
| ۵۱۹ | فصل نهم - سازش در مرحله استماع                      |
| ۵۱۹ | مبحث اول - سازش                                     |
| ۵۲۷ | مبحث دوم - درخواست سازش                             |
| ۵۳۱ | فصل دهم - رسیدگی به دلایل                           |
| ۵۳۱ | مبحث اول: کلیات                                     |
| ۵۵۶ | مبحث دوم: اقرار                                     |
| ۵۶۰ | مبحث سوم: اقرار                                     |
| ۵۶۶ | مبحث سوم: اسناد                                     |
| ۵۶۶ | الف: موادّ عمومی                                    |
| ۵۸۱ | ب: انکار و تردید                                    |
| ۵۹۱ | ج: ادعای جعلیت                                      |
| ۶۰۶ | د: رسیدگی به صحت و اصالت سند                        |
| ۶۳۲ | مبحث چهارم: گواهی                                   |
| ۶۶۷ | مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی                  |
| ۶۷۷ | مبحث ششم: رجوع به کارشناس                           |
| ۷۶۵ | مبحث هفتم: سوگند                                    |



|           |                                               |
|-----------|-----------------------------------------------|
| ۷۸۴.....  | مبحث هشتم: نیابت قضایی                        |
| ۷۹۰.....  | فصل یازدهم - رأی                              |
| ۷۹۰.....  | مبحث اول - صدور و انشای رأی                   |
| ۷۹۵.....  | مبحث دوم - ابلاغ رأی                          |
| ۷۹۸.....  | مبحث سوم - حکم حضوری و غیابی                  |
| ۸۰۲.....  | مبحث چهارم - واخواهی                          |
| ۸۲۲.....  | مبحث پنجم - تصحیح رأی                         |
| ۸۳۱.....  | مبحث ششم - دادرسی فوری                        |
| ۸۵۷.....  | باب چهارم: تجدیدنظر                           |
| ۸۵۸.....  | فصل اول - احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر |
| ۸۵۸.....  | فصل دوم - آرای قابل تجدیدنظر                  |
| ۸۷۹.....  | فصل سوم - مهلت تجدیدنظر                       |
| ۸۸۶.....  | فصل چهارم - دادخواست و مقدمات رسیدگی          |
| ۸۹۹.....  | فصل پنجم - جهات تجدیدنظر                      |
| ۹۳۵.....  | باب پنجم: فرجام خواهی                         |
| ۹۳۶.....  | فصل اول - فرجام خواهی در امور مدنی            |
| ۹۳۶.....  | مبحث اول - فرجام خواهی و آرای قابل فرجام      |
| ۹۵۶.....  | مبحث دوم - موارد نقض                          |
| ۹۶۱.....  | مبحث سوم - ترتیب فرجام خواهی                  |
| ۹۸۱.....  | مبحث چهارم - ترتیب رسیدگی                     |
| ۹۹۲.....  | مبحث پنجم - مهلت فرجام خواهی                  |
| ۹۹۶.....  | مبحث ششم - اقدامات پس از نقض                  |
| ۱۰۰۸..... | مبحث هفتم - فرجام تبعی                        |
| ۱۰۱۲..... | فصل دوم - اعتراض شخص ثالث                     |
| ۱۰۳۷..... | فصل سوم - اعاده دادرسی                        |

مبحث اول - جهات اعاده دادرسی ..... ۱۰۳۷

مبحث دوم - مهلت درخواست اعاده دادرسی ..... ۱۰۵۹

مبحث سوم - ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی ..... ۱۰۶۱

باب ششم: مواعد ..... ۱۰۷۵

فصل اول - تعیین و حساب مواعد ..... ۱۰۷۶

فصل دوم - دادن مهلت و تجدید موعد ..... ۱۰۸۰

باب هفتم: اوری ..... ۱۰۸۳

باب هشتم: هر دادگی و اعسار ..... ۱۱۵۱

فصل اول - هزینه دادرسی ..... ۱۱۵۲

فصل دوم - اعسار از هزینه دادرسی ..... ۱۱۵۸

باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعه ..... ۱۱۶۹

فصل اول - کلیات ..... ۱۱۷۰

فصل دوم - خسارات ..... ۱۱۸۲

فصل سوم - مستثنیات دین ..... ۱۱۹۵

سایر مقررات ..... ۱۲۰۷

## سخنی با شما

در بحث جامعه‌شناسی آمده: «انسان، موجودی مدنی، متمدن و بالتبع اجتماعی است و می‌تواند با زندگی در میان هم‌نوعان خود و افزایش سطح مهارت‌های فردی و اجتماعی‌اش، تکامل دست یابد و نیازهای خویش را از طریق مقتضی، مرتفع نماید. این که برخی انسان‌ها پیشتر در غار یا دیر یا صومعه به زندگی انفرادی خود می‌پرداختند و در تأمین نیازهای اساسی‌شان، خود را مستغنی و بی‌نیاز می‌پنداشتند، در آن زمان‌های قدیم نیز عجایب‌انگیز و شگفت‌آور بوده و با اینکه روابط بشر به اندازه امروز اینقدر پیچیده، در می‌سیده، مرتبط با هم نبوده اما باز، مبادرت به زندگی انفرادی، امری استثنایی، خلاف طریقت است و تمایل انسان‌ها بوده است و به طور واقع‌بینانه دشوار تلقی می‌گردید چرا که انسان‌ها در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی خود ذاتاً به زندگی اجتماعی گرایش دارند و دارند و از جهت عدم میرز بودن در همه مهارت‌های زندگی، محتاج بودن به دیگران، دور از ذهن و واقعیت حیات نبوده است. در این باره آنچه که حاجت به بیان می‌باشد این است که نیازهای انسان‌ها صرفاً محدود به مسائل مادی نبوده و اعم از آن است و ناگفته پیداست انسان بی‌دوست، به مانند انسان بی‌دست و پاست و یقیناً یا از حرکت باز نمی‌ماند ایستاد یا اینکه طی طریق او به جلو، به کندترین حالت ممکن خواهد بود.

در این طی طریق‌ها، ارتباط‌ها و مراودات اجتماعی، گاه میان اشخاص اختلاف نظرهای حقوقی پدید می‌آید که البته اشخاص در جوامع متمدن، به گونه معمول آنها را از طریق گفتگوی مستقیم و در موارد نادری، به نحو واسطه مبادرت به حل و فصل مسائل می‌کنند و ناگفته میرهن و پیدا است که تعداد مواردی که از این طریق حل می‌شود، به مراتب بسیار بیشتر از مواردی است که اشخاص در جهت تحقق آنچه از آن به نادرستی تحت عنوان «فصل خصومت» یاد نموده‌اند، به مراجع رسمی و قانونی مراجعه می‌کنند.



وقتی انسان‌ها به اجتماعی بودن خود و لزوم تعیین شیوه‌های حل اختلاف صرفاً در مکان‌هایی تحت عنوان «دادگستری‌های عمومی» پی بردند، حکام به تدریج، به اندازه دانش خود در آن روزگار، آیینی را در جهت تحقق هدف مزبور، پدید آوردند و مسائلی نیز عرف آنها را رویه نمود که البته هنوز تاریخ حقوق توانسته بر اساس سنگ‌نبشته‌ها و الواح باستانی موجود، به طور دقیق معین کند که نخستین شیوه‌نامه‌های حاوی چگونگی انجام فرآیند دادرسی‌های مدنی و تجاری که احتمالاً در دوران باستان، کمتر مورد تفکیک بوده‌اند، در چه زمانی تدوین گردیده و به اجراء درآمده‌اند؟ در این خصوص، هنوز باستان‌شناسان بر اساس اسناد اطمینان‌آور توانسته‌اند به درستی به این پرسش تاریخی، پاسخ دهند. آنچه در این خصوص مسلم است، این باشد که همواره حاکمان سعی داشته‌اند در راستای تحقق نظم اجتماعی و اثبات اقدار ناکمیت خود، به بهترین شکل، مجری این قبیل مسائل یا موثر در تصمیم‌گیری‌ها، باشند. برآنها را از مصادیق اختیارات ناشی از حکمرانی و فرمان‌روایی خود می‌بندیدند.

آنچه دیگر مولفان از آنچه عنوان «آیین دادرسی مدنی» یاد می‌کنند، مخصوصاً از این منظر مورد انتقاد ما قرار دارد، اصطلاح مزبور از این جهت که محدود به دادرسی در معنای خاص کلمه است و نسبت به داوری، انصراف دارد و به تعبیر ساده‌تر منصرف از آن است، عنوان به‌جا و مناسبی نیست. البته برخی سعی نموده‌اند آن را در معنای عام کلمه معنا کنند اما به اعتقاد ما، این است و اساس این دو تأسیس حقوقی و آثار مترتبه بر هر کدام از آنها، مانع از این عام‌نگری است. ما در جهت احترام به عرف جامعه حقوقی، از همان اصطلاح «آیین دادرسی مدنی» استفاده می‌کنیم تا نامأنوس بودن اصلاحات برابر، مخاطب محترم را نیازا...

وقتی به بطن نظام‌های دادرسی مدنی و تجاری می‌نگریم، متوجه می‌شویم «ارق حل» اختلاف بین اشخاص در دادگستری‌ها به واسطه وجود چهارچوب‌های خشک، غیر منعطف و بعضاً متعارض با عدالت واقعی، در مواردی اساس حق را نشانه رفته و به واسطه وجود برخی موانع شکلی، برخی حقوق کلاً یا جزئاً لطمه می‌یستند. در اینجاست که ما به اعتقاد پیشین خود مبنی بر ضرورت حل اختلافات از طریق غیر از مراجعه به مراجع قضایی، بیشتر از پیش وثوق یافته و هر لحظه به صحت اعتقاد مزبور راسخ‌تر از گذشته می‌شویم زیرا وقتی به اصول، قواعد و مقررات حاکم بر داوری، میانجی‌گری و



تأسیس‌های حقوقی مشابه می‌نگریم، می‌بینیم اگر بستر نهادهای حقوقی این چنینی فراهم باشد و اشخاص به عینه ببینند وجود اشخاص آموزش‌دیده و حرفه‌ای در موارد مورد اشاره، نتیجه‌بخش‌تر است، انسان‌ها دادرسی را به فراموشی خواهند سپرد. مؤید ادعای ما این است که در دادرسی‌های امروزه و به طریق اولی در گذشته، به طور معمول هیچ‌کس بیک از اصحاب دادنامه -اعم از محکوم‌له و همچنین محکوم‌علیه- از کیفیت و میزان رجه -تا کم به آنچه عدالت و قانون حکم می‌کند، رضایت قلبی نداشته و ندارند و گاه و گاه خود را در برخی ابعاد، برخلاف آنچه باید، محکوم‌علیه می‌پندارند زیرا معمولاً آنان به اهداف شخصی و دفاعی خود که می‌توانسته‌اند به آنها دست یازند، به واسطه ذات ناآرامی و رآمد دادرسی نرسیده و شاید هم هرگز نخواهند رسید.

امروزه قانون آیین دادرسی دینی و رویه قضایی در معنای خاص کلمه (آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور) برای یک دانش‌آموخته حقوق که می‌خواهد در بطن جامعه حلقه حضور برآورد و موفق باشد و توانایی‌های علمی و عملی خود را برای نیل به اهداف علمی نظام قضایی به کار گیرد، بیش از اینکه باید قانون آیین دادرسی مدنی را بیست قانون خطا و حائز اهمیت تلقی کند، می‌تواند رابطه خود با آن را به عنوان یک ابزار شریف و البته گریزناپذیر تنظیم کند چرا که قانون مزبور به انضمام آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، مهم‌ترین منبع برای حل اختلافات مدنی و تجاری بوده و آشنایی و تسلط همه‌جانبه می‌تواند در احقاق حق، راهگشا و موثر واقع گردد. به منافع مورد بحث ما اینقدر زوایای مکث و کشف نشده دارند که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند، همه قله‌های مربوط به آنها را فتح نموده است.

به بهانه مقدمه این اثر، علاقه‌مندیم یکی از تعابیر ارزشمند زنده‌یاد استاد دکتر باقر کاتوزیان که حقی بزرگی بر گردن جامعه حقوقی ما در جهت ترویج دانش حقوق و ویژه «اجرای قانون صرفاً در جهت اجرای عدالت و نه فصل خصومت» دارند را به مخاطبین گرانقدر تقدیم کنیم. معظم‌له با اعتقاد قلبی معتقد بودند: «و کلاً باید بیشتر از اینکه مدافع موکل خود که با او پیوند قراردادی دارند، باشند، مدافع از حق باشند». این سخن ارزشمند از این جهت پذیرفتنی است که شرافت و کیل به میزان علاقه او به عدالت و دفاع از آن است و هرگز نباید خود را مستخدم موکل پندارد و در اموری که برخلاف عدالت است، خدای ناکرده ورود پیدا کند و منزلت خود را به زیر کشد. انسان آزاده

هرگز شرافت خود را به قیمت هزار دنیا نخواهد فروخت و از همه و کلای باشرافت جامعه حقوقی ما نیز جز این توقعی نیست. البته همه ما می‌دانیم برخی مواقع ممکن است دفاع از حق و تأکید بر شرافت متضمن و دربردارنده هزینه‌های سنگین باشد اما انسان‌هایی که می‌خواهند باشرافت و عزت مستدام زندگی کنند، خطرها را به جان شیرین می‌خرند و از آرمان‌ها و ارزش‌های ناب و اصیل خود دفاع می‌کنند چرا که همانا حیات احرار به شرافت اوست. باید صادقانه بگوییم، آرمان همه ما دانش‌آموختگان حقوق که به اندازه توان و نیاز خود، جرعه‌هایی از دانش مزبور را نوشیده‌ایم، دستیابی به عدالت و راستی است و هیچ چیز به مانند عدالت و احقاق حق به محق و دفاع از آن در برابر باطل، ما را سیراب نمی‌کند. ارزش زندگی انسان‌هایی که وجود معنوی خود را به ویران‌ناپذیرترین مرجع می‌دهند، به دفاع از شرافت، انسان‌دوستی و انسانیت در معنای واقعی ندیده است. صریحاً بگویم اگر یکی از این سه متاع معنوی ارزشمند، لگه‌دار شدند، ما خود را از تمام انسان‌ها پایین کشیده‌ایم. هر چند تجربه می‌گوید دفاع از عناصر موصوف، به طور معمول، آلی هزینه نیست اما برای نگارندگان ناگفته پیداست که عزت همه ما دانش‌آموختگان حقوق در سطح دانشگاهی که باشیم، می‌تواند از معنویت وجود ما به ویژه در پیوستن به اصول و قواعد عدالت باشد. انسان باید برای عدالت و همچنین برای حفظ چیزهایی که عدالت حکم می‌کند، بجنگد بدون اینکه بدین منظور، به طریقی غیر از سلم و آشتی انباشته شود.

در پایان به همه جوانانی که در سیمت و کالت، آرمان دفاع از عدالت و شرافت دارند، به عنوان کمترین توصیه می‌کنم وقتی پا به عرصه اجتماع شغل خطیر گذاشتند، تمامی لوازم حرفه‌ای شدن علمی و تجربی را با عارفه و نوش فراوان طی کنند، هرگز خود را فدای انجام وظیفه مکانیکی و بدون در سرگرفتن عدالت، کرامت، آزادگی، شرافت و انسانیت نکنند چرا که ارزش و کیل به شرافت اوست که در موقع اتیان سوگند و کالت، آن را به عنوان ارزشمندترین گوهر وجودی، بر ریفه می‌گذارد.

سعید صالح احمدی

۱۳۹۶/۰۹/۱۱

تهران